

درباره استاد دانش پژوه



اشاره: مرحوم عبدالحسین حائری بیش از پنجاه سال در کتابخانه مجلس به فهرست‌نگاری و شناسایی نسخه خطی می‌پردازد. او را همیشه با عینک‌های متعدد و محاسنی سفید، با پیپی در دست در وسط انبوهی از کتاب‌های کتابخانه مجلس مشغول می‌دیدیم. از او در جوانی و میانسالی مقالات بسیاری در جراید و مطبوعات گذشته به چاپ رسیده. حاصل تلاش او در کتابخانه مجلس انتشار ۲۷ جلد از فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس و کمک و یاری‌رسانی به بسیاری از محققین و پژوهشگران صاحب نام کشور بود. روحش شاد.

***جناب استاد حائری مقدمه آشنایی‌تان را با جناب مرحوم دانش‌پژوه بفرمایید.**

در سال ۱۳۳۰ وقتی که من از قم به تهران آمدم، تازه سال‌های اولی بود که مرحوم مشکوه کتابهایش را به دانشگاه تهران هدیه داده بودند؛ از این کتاب‌ها حدود هزار یا هزار و صد جلد کتاب خطی فارسی و عربی بود. همین مجموعه پایه و مایه ابتدایی کتابخانه دانشگاه تهران را تشکیل می‌داد، که نه به عنوان کتابخانه مرکزی، بلکه به عنوان کتابخانه دانشگاه تهران نامگذاری شده بود. جلد نخست فهرست کتب خطی اهدایی مرحوم مشکوه توسط علی نقی منزوی و جلد دوم آن به کوشش مشترک علی نقی منزوی و مرحوم دانش‌پژوه منتشر شد و طبیعی است با ایشان هم مانند بسیاری دیگر ناشرین در همین زمان آشنا شدم. اما تا آنجایی که خبر دارم پیش از این ایشان در کتابخانه دانشکده حقوق کار می‌کردند.

***رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس چگونه بود؟**

آنطور که یاد می‌آید در دهه ۳۰ رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس چندان باب نبود، از حدود سال ۱۳۴۰ رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس زیادتر شد و طبعاً ملاقات ما نیز با همدیگر بیشتر می‌شد.

***از اولین مباحثه تخصصی که در حوزه نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی با همدیگر داشتید به یاد دارید؟**

بله بنده مقاله‌ای در مجله وحید در حدود سال ۱۳۴۰ منتشر کردم که موضوعش در مورد اصالت ترجمه کتاب بهمینار به نام *التحصیل* بود. *التحصیل* کتاب معروفی در فلسفه بود که ترجمه‌ای به فارسی دارد. بین اشخاص بر سر اینکه آیا این ترجمه از خود بهمینار است یا اینکه دیگران آن را ترجمه کرده‌اند، اختلاف نظر بود. در آن وقت ما نسخه‌ای از مجموعه مرحوم میرزا طاهر تنکابنی در

کتابخانه مجلس پیدا کرده بودیم که تا آن وقت تشخیص نداده بودند چه کتابی است. من فهمیدم که این با ظاهری به هم ریخته همان ترجمه *التحصیل* است. این شد که مقاله‌ای در دو سه شماره در مجله وحید چاپ کردم و گفتم که این ترجمه نباید ترجمه بهمینار باشد، زیرا سبک فارسی‌اش به بهمینار نمی‌خورد. با طرح این مسأله آقای دانش‌پژوه به من نزدیک‌تر شدند و در این مورد هم با یکدیگر مباحثه کردیم.

*** از چه سالی ایشان به کتابخانه مجلس جهت فهرست نویسی تشریف آوردند و چه جلدهایی از فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس را ایشان فهرست کردند؟**

مرحوم دانش‌پژوه زمانی که ریاضی رئیس مجلس شد، حدود سال ۴۲ یا ۴۳ به اینجا آمدند و فهرست‌های جلد یازده تا شانزده به عهده ایشان و آقای علی نقی منزوی و ایرج افشار بود. یک تیم دوازده نفری نیز با این سه نفر همکاری می‌کردند که اسامی‌شان در اول فهرست نوشته شده است.

*** از دانشکده حقوق دانشگاه تهران صحبت کردید و فرمودید که مرحوم دانش و منزوی آنجا بودند، از افرادی دیگر که در آنجا کار می‌کردند خاطره‌ای دارید؟**

بله من در آنجا با دکتر صبا مکرر برخورد داشتم. خاطره‌ای که از آقای محسن صبا دارم این است روزی بنده رفتم کتابخانه ملی و برای یک برنامه مشترک منتظر آقای دانش‌پژوه و چندتن دیگر بودم. فکر می‌کنم آن جایی که ایستاده بودیم نزدیک مخزن بود. بی‌اختیار پییم را درآوردم که بکشم. آقای صبا گفتند که اینجا پیپ نکش. مرد خیلی مفیدی بود. تحصیلاتش نیز از سایرین بالاتر بود. ایشان کتابی در زمینه آرشئو و بایگانی نوشتند که کتاب مفیدی به نظر می‌رسید.

*** به نظر می‌رسد از اولین کتاب‌ها در مورد سازماندهی مواد باشد؟**

بله یک بار تماشش را خواندم. کتاب خیلی خوبی است. در این کتاب نکات بسیاری را در مورد کار کتابداری و وظایف کتابدار ذکر کرده است.

*** شیوه کار استاد دانش‌پژوه چه شکلی بود؟**

مرحوم دانش‌پژوه مرد استادی بودند. دقیق و فاضل. جلد‌های اولیه دانشگاه که کار فهرست آنها به عهده ایشان بود، خیلی مفصل کار کردند. همین جلد‌ها بعدها پایه‌ای برای تاریخ علم، فهرست‌نویسی، کتاب‌شناسی و علم‌شناسی در ایران شد. ایشان وقتی از نظر فقهی، اصولی، منطقی کتاب را بررسی می‌کردند. نه تنها درباره عهد و زمان آن کتاب، بلکه کتاب‌های دیگر نیز در فهرست اشاره می‌کردند، پاورقی‌های بسیار مفصلی برای کتاب‌هایی می‌نوشتند که بسیار مورد استفاده برای دیگران شد. فهرست‌های دانشگاه تهران ایشان از جلد سوم تا جلد هفتم که به صورت موضوعی است بسیار دقیق است؛ بیش از آنچه که من معتقدم توضیح داده شود ایشان توضیح می‌دادند.

ایشان در کار کتاب‌شناسی به عهد و زمان کتاب خوب می‌پرداختند و تاریخ آن علم را طوری بررسی می‌کرد که در زمان خودش به آن وسعت و به آن تفصیل نبود. البته گرچه کارشان خالی از اشکال و اشتباه نیست اما به هر حال برترین و بهترین و عالی‌ترین کار کتاب‌شناسی است.

*** به نظر شما آیا سبک کارشان منحصر به فرد بود؟ و آیا پیش از ایشان کمی به آن شکل کار کرده بود؟**

سبک کارشان در آن زمان به آن صورت مرسوم نبود. تنها کسی که پیش از او تقریباً به آن شکل کار کرده، ابن یوسف بود که دو جلد از فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار و یک جلد از فهرست خطی کتابخانه ملی را پیش از او منتشر کردند. منتهی شیوه کارشان با هم فرق داشت. آقای دانش‌پژوه خیلی عالمانه‌تر به آن کار پرداخته بودند. به عنوان مثال آقای ابن‌یوسف در مورد مدخل سعدی بیست و سه صفحه درباره‌شان بحث کرده بودند در حالی که همین بحثها در تاریخ ادبیات «ادوارد براون» آمده بود و لزومی نداشت ایشان آنجا ذکر کنند، بلکه آنچه از خود نسخه استخراج می‌کردند باید ذکر می‌کردند، بقیه چیزها زائد بود و در مورد نسخه آن کتابخانه نبود و بایستی حذف می‌کردند.

*** آیا به نظر شما جلوتر از مرحوم دانش‌کسانی مثل آقای ابن یوسف و غیره... الگویی برای مرحوم دانش بودند؟**

- بله آقای «مهدی ولانی» در مشهد فهرستی را منتشر کرد که هم دارای نثر روانی بود و خود منبع نیز بسیار مفید و ارزشمند بود. جلد اول آن که چاپ شد، آن شکل کار، کار اولیه بود و همین خوشحالش کرده بود. این فهرست مربوط به کتابخانه آستان قدس رضوی است.

*** فهرست ابن یوسف بعد از انتشار فهرست «آقای مهدی ولانی» منتشر شد؟**

- بله، این کار که درآمد چون کار اولیه بود جای خوشحالی داشت. پس از آن فهرست ابن‌یوسف منتشر شد که کار کامل‌تری بود.

*** حالا که بحث به اینجا کشیده شد در مورد خود مرحوم ابن‌یوسف اگر چیزی می‌دانید بفرمایید؟**

ایشان در شیراز دفتر محضر داشتند، ولی به کارهای علمی هم می‌پرداختند. گاهی هم به کتابخانه مجلس سرک می‌زدند. ایشان در فهرستشان نوشتند که در کتابخانه مجلس مجموعه‌ای است به خط حافظ که آثاری از خود حافظ در آن درج شده است. این نوشته حرف نسبتاً بزرگی بود و ممکن بود سروصدایش در دنیا پیچد. چنین نسخه‌ای در کتابخانه مجلس وجود نداشت و این حرف صحیح نبود. البته نسخه‌ای از دیوان حافظ مربوط به قرن ۸ و ۹ در کتابخانه بود که پشتش نوشته بود: شمس‌الدین محمدحافظ، که ایشان آن را اینگونه تلقی کردند که به خط حافظ است. با مسئولان مجلس صحبت کردم که چنین حرفی صحیح نیست؛ آیا جوابش را بدهم یا نه؟ که منتهی شد به اینکه جوابش را جایی چاپ کردم. پس از مدتی آقای ابن‌یوسف به کتابخانه مجلس آمدند و از من گله کردند که فهرست‌های کتابخانه مجلس را چرا برای او نفرستادم، و تقاضایشان زیاد بود. در این مورد با رئیس مجلس وقت تماس گرفتم و از او نظر خواستم. ایشان گفتند: به ابن یوسف بگویید اگر جای آن نسخه خطی به خط حافظ را به ما نشان بدهد هر چه بخواهد به او می‌دهیم.

*** مرحوم دانش‌پژوه در اشاعه اطلاعات در زمینه نسخه خطی و آدرس‌دهی نسخه‌هایی که دیده بودند چقدر دست و دل باز بودند؟**

- ایشان هیچ‌وقت عهده‌دار مسئولیت اجرایی کتابخانه نبودند. ظاهراً شایع می‌کنند که ایشان در آدرس‌دهی نسخ خطی و گفتن برخی اطلاعات اخفکاری می‌کردند ولی من چیزهای زیادی در این مورد از ایشان ندیدم.

*** منشأ کار فهرست‌نویسی آقای دانش‌پژوه از کجاست؟**

- ریشه کار فهرست‌نگاری ایشان برمی‌گردد به علاقه به کتاب خطی، به سبب نیروی علاقه‌ای که در جانشان بود به این کار کشیده شد.

*** نظر حضرت‌تعالی در مورد جوانانی که نخستین قدم را در راه شناسایی نسخ خطی می‌گذارند چیست؟**

- اول خوب درسشان را بخوانند، درس مربوط به نسخ خطی را هم بخوانند، نگران هیچ چیز دیگر هم نباشند. در پژوهش‌های نسخ خطی اصل بر این است که فارسی را خیلی خوب بدانند و بی‌شک عربی را هم اندکی دانسته باشند، هر چقدر درسش را بهتر خوانده باشند، بهتر می‌توانند در دنیای نسخ خطی قدم بردارند.

*** استاد، همان‌گونه که می‌دانیم هیچ کاری کامل نیست؛ اگر بخواهید کارهای مرحوم دانش‌پژوه را با دید نقادی نگاه کنید چه نقصی در آن می‌بینید؟**

- تفصیل زیادت‌تر از حد لازم در خصوص هر نسخه را از ایراد کارشان می‌توان نام برد. ایشان در خیلی از موارد کار تاریخ‌نویسی کرده‌اند، کار فهرست‌نگاری در حقیقت گام اول برای تاریخ علم است.

منبع: روزنامه اطلاعات